

# فردوسی، هفت بزم و آموزش مهارت‌های اجتماعی

## «مقدمه‌ای روان شناختی بر داستان هفت بزم شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی»

علیرضا مقدس<sup>۱</sup>

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۶

### چکیده

این پژوهش بر آن است که مقدمه‌ای را بر داستان هفت بزم نگاشته و آن را به صورت مقاله‌ای تحلیلی در اختیار پژوهشگران و مدرسان آموزش مهارت‌های اجتماعی و سایر خوانندگان علاقمند قرار دهد. دکتر محمد یوسف محقق مالزیایی معتقد است، همان گونه که غربی‌ها فلسفه، نجوم، طب و ریاضیات اسلامی را اروپایی یا غربی کردند، مسلمانان نیز می‌باید نظریه‌های ارتباطی را که اروپائیان در آنها پیشرفت کرده‌اند، اسلامی کرده و مورد استفاده قرار دهند (به نقل از بولتون، ترجمه شاه‌ولی ۱۳۸۰ ص ۴). بدون هیچ تردید بخش مهمی از این نظریه‌های ارتباطی که امروز غربی‌ها ارائه می‌دهند، ریشه در متون ایرانی و اسلامی دارد. یک نمونه از آن، آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی در داستان هفت بزم شاهنامه است که بخش کوچکی از اثر بزرگ فردوسی است و مقایسه و تلفیق آن با مطالعات و پژوهش‌های علمی امروزی درباره مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی با هدف بومی سازی دارای مزایای بیشماری است، اول آن که از منابع عظیم مکتوب فرهنگی و ادبی کشور و مفاخر صاحب نام آن استفاده به جا و بهینه خواهد شد و نام آن بزرگان را زنده و آثار آنان را بیش از پیش مطرح و به آنان ارج دوباره می‌نهمیم. و دیگر آن که کلام شیوا و دلنشین حکیم طوس قرن‌ها است که در ذهن و زبان و ناخودآگاه جمعی همه ما ایرانیان حضور دائم داشته و یک آمادگی ذهنی برای پذیرش این گونه برنامه‌ریزی‌های آموزشی وجود دارد. با توجه به مقام و جایگاه فردوسی و احترام فراوان او نزد همه ایرانیان بدون هیچ تردید، پذیرش، تمرین، تکرار و اثر بخشی این آموزش‌ها را با موفقیت بیشتری همراه خواهد کرد.

واژگان کلیدی: فردوسی، شاهنامه، هفت بزم، بزرگ مهر، مهارت‌های اجتماعی

---

۱. استاد یار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، Moghadas@atu.ac.ir

## مقدمه

در سال‌های اخیر توجه زیادی به مبحث تعامل‌های اجتماعی ماهرانه شده است. در همین رابطه سگرین<sup>۱</sup> (به نقل از بیگی، ۱۳۸۴ ص ۱۱) خاطر نشان می‌سازد که تقریباً پژوهشگران تمامی رشته‌های علوم اجتماعی به مفهوم مهارت‌های اجتماعی علاقه‌مند شده‌اند. رویکردهای مختلف آموزش مهارت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که با این آموزش‌ها می‌توان عملکرد اجتماعی افراد را بهبود بخشید. مهارت‌های اجتماعی آن دسته مهارت‌هایی هستند که ما در تعاملات میان فردی به کار می‌بریم.

اشلانت و مک فال<sup>۲</sup> (۱۹۸۵، همان منبع) می‌گویند، مهارت‌های اجتماعی عبارت است از فرآیند مرکبی که فرد را قادر می‌سازد به گونه‌ای رفتار کند که دیگران او را با کفایت تلقی کنند. مهارت‌ها توانایی‌هایی لازم برای انجام رفتارهای هدفمند و موفقیت‌آمیز هستند. مک گویر و پریستلی<sup>۳</sup> (۱۹۸۱ همان-۱۱) می‌گویند، مهارت‌های اجتماعی به رفتارهایی گفته می‌شود که شالوده ارتباط‌های موفق رو در رو را تشکیل می‌دهند. و یا ارگایل<sup>۴</sup> می‌گوید، منظور من از رفتار ماهرانه اجتماعی رفتارهایی است که به تعامل گران کمک می‌کند به اهداف خویش دست یابند. بعد یادگیری را هم به این تعریف می‌افزاید او می‌گوید مهارت اجتماعی عبارت است از رفتارهای معین و آموخته شده‌ای که افراد در رابطه میان فردی خود، برای کسب تقویت‌های محیطی یا حفظ آنها انجام می‌دهند (همان). مایکلسون<sup>۵</sup> و دیگران (۱۹۸۲ همان-۱۱) در ارزیابی نشانه‌های مهارت اجتماعی به شش عنصر اصلی اشاره می‌کنند:

- ۱- مهارت‌های اجتماعی به طور معمول آموخته می‌شوند.
- ۲- شامل مجموعه‌ای از رفتارهای کلامی و غیر کلامی گوناگون و ویژه‌اند
- ۳- مستلزم داوطلب شدن و ارایه پاسخ‌های مناسب و موثرند.

---

1. Segrin  
2. Schlundt & Mc Fall  
3. Mc Gurie & Priestley  
4. Argyle  
5. Michelson

۴- هویت‌های اجتماعی دیگران را به حداکثر می‌رسانند.  
 ۵- ماهیتی تعاملی دارند و به زمان بندی مناسب و تاثیر متقابل برخی از رفتارها احتیاج دارند.

۶- تحت تاثیر عوامل محیطی همچون سن، جنس، و پایگاه طرف مقابل می‌باشند (همان، ۸۸)

رفتارهای اجتماعی هدفمندند، اسپتیزبرگ و کوپاچ<sup>۱</sup> (۱۹۸۴، همان) معتقدند که مهارت‌ها توانایی‌هایی هستند که هدف‌ها را برآورده می‌سازند، حال این هدف‌ها می‌تواند اختصاصی و یا کلی باشند. سگرین و دیلارد<sup>۲</sup> نیز تعریف مشابهی را ارائه می‌دهند، مهارت اجتماعی عبارت است از توانایی دستیابی صحیح و مناسب به اهداف، (همان). سومین ویژگی مهارت‌های اجتماعی متناسب بودن آنها با وضعیت است. فردی از لحاظ اجتماعی ماهر است که بتواند رفتارهایش را متناسب با انتظارات دیگران تغییر دهد. به این ترتیب داشتن ارتباط ماهرانه بستگی به استفاده صحیح (از لحاظ بافتی) و تسهیل کننده (از لحاظ رفتاری) از شیوه‌های برقراری ارتباط مناسب و کار آمد با دیگران دارد (همان). چهارمین ویژگی این تعریف آن است که مهارت‌های اجتماعی در واقع واحدهای رفتاری مجزا هستند. فردی که از لحاظ اجتماعی مهارت دارد، قادر است رفتارهای مختلف و مناسبی داشته باشد. او این توانایی‌های اجتماعی را در قالب عملکرد رفتاری پی ریزی می‌کند... این نکته یکی از ویژگی‌های بارز ارتباط اجتماعی ماهرانه است (سگرین، ۱۹۹۲، همان). پنجمین جنبه این تعریف، آموختنی بودن مهارت‌های اجتماعی است. در حال حاضر تمامی محققان اتفاق نظر دارند که اکثر رفتارهای اجتماعی آموختنی هستند، زیرا کودکانی که در بین انسان‌ها بزرگ نشده‌اند از لحاظ اجتماعی رفتارهایی متفاوت و نامعقول دارند و قادر به تکلم نمی‌باشند. همچنین شواهد نشان می‌دهند کودکانی که محیط خانوادگی گرمی نداشته‌اند، رفتار اجتماعی نامقبولی دارند (ایسلر و فردریکسن<sup>۳</sup>، ۱۹۸۰، همان).

---

1. Spitzberg & Cupach  
 2. Dillard  
 3. Eisler & Fredriksen

بندورا<sup>۱</sup> (۱۹۸۶، همان) در نظریه شناختی اجتماعی خود می‌گوید تمامی رفتارها به جز رفلکس‌های اولیه مثل پلک زدن آموختنی هستند. این یادگیری اجتماعی از طریق مدل سازی و تعلیم رفتارهای بزرگسالی چون والدین، معلمان، همشهریان یا همسالان صورت می‌پذیرد.

کالینز و کالینز<sup>۲</sup> (۱۹۹۲، همان) در مورد رفتار ماهرانه می‌گویند، اگر در مورد کیفیت رفتارهایتان نیز فیدبک دقیقی نگیرید ممکن است یک اشتباه را بارها تکرار کنید این نوع مهارت‌ها بدون فیدبک بهبود نخواهد یافت حتی برخی شواهد نشان می‌دهند که بدون شک ممکن است این مهارت را به تدریج از دست بدهیم (همان).

آخرین بخش تعریف مهارت‌های اجتماعی و یکی دیگر از ویژگی‌های دیدگاه شناختی - اجتماعی گویای این است که افراد بر این مهارت‌ها کنترل شناختی دارند. بنابراین کسی که از لحاظ اجتماعی کمبود مهارت دارد، ممکن است عناصر اصلی مهارت اجتماعی را فراگرفته باشد، اما از فرایندهای فکری لازم برای استفاده از این عناصر در تعاملات خود بی‌بهره باشد. یکی از جنبه‌های مهم کنترل، زمان‌بندی رفتارهای اجتماعی است. اگر فایده رفتار اجتماعی دست‌یابی به نتایج مطلوب آن است، پس زمان‌بندی رفتار اهمیت زیادی دارد. یعنی باید از رفتارهای ماهرانه در مواقع مناسب استفاده کرد. در واقع یکی از نشانه‌های بی‌کفایتی اجتماعی بیان بی‌موقع مطالب است (هارجی و مک کارتن<sup>۳</sup> ۱۹۸۶، همان). پس یادگیری زمان استفاده از رفتارهای اجتماعی، به اندازه ماهیت این رفتارها و نحوه انجام آنها اهمیت دارد.

همه ما گاهی در زندگی با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شویم. در جریان این دشواری‌ها، در اختیار داشتن منابع و مهارت‌هایی که به ما کمک می‌کنند تا به بهترین شکل ممکن از عهده حل مشکلات خود برآئیم، تسلی بخش است. پژوهشگران اطلاعات ارزشمندی درباره نحوه مقابله افراد با مشکلات زندگی جمع‌آوری کرده‌اند. آنها تلاش

- 
1. Bandura
  2. Collins & Collins
  3. Hargei & Mc Cartan

خود را بر پاسخ دادن به پرسش‌های زیر معطوف کرده‌اند:

آیا می‌توان سبک‌های مقابله‌ای متفاوت را شناسایی و ارزیابی کرد، آیا برخی راهبردهای مقابله‌ای برای مقابله با مشکلات خاص از راهبردهای دیگر مفید و مفیدتر هستند؟ چگونه می‌توانیم یاد بگیریم که با مشکلات، موثرتر مقابله کنیم؟ (کلینکه ترجمه محمد خانی، ص ۱۳، ۱۳۸۴).

به دنبال آگاهی از نقش مهارت‌های اجتماعی، روان‌شناسان برنامه‌های آموزشی تهیه کرده‌اند که در آنها به افراد می‌آموزند تا مهارت‌های خود را در تعاملات اجتماعی بهبود بخشند. بخشی از این مهارت‌ها به شرح زیر می‌باشد، مسئله‌گشایی، خودآرام‌سازی، حفظ کنترل درونی، استفاده از شوخ‌طبعی، ورزش کردن، پاداش دادن به موفقیت‌های خود، پایداری، حفظ غرور، مقابله با خود ناتوان‌سازی، مبارزه جویی، رشد و تقویت توانایی‌ها، یادگیری نحوه مقابله موثر، زندگی کردن با انتظارات واقع‌بینانه، مقابله با شکست، تغییر دادن موقعیت، انجام ارزیابی‌های اولیه درست، حفظ احساس کنترل، تفکر انطباقی، سرگرم کردن خود، استفاده موثر از سیستم‌های حمایتی، مقابله با یاس و ناامیدی، مقابله با تنهایی، کم‌رویی و طرد شدگی، جرات‌ورزی، مذاکره و گفتگو، مقابله با خشم، گذشت و بخشش، و ... شایان ذکر است، آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزشی انعطاف‌پذیر می‌باشد و براساس ضرورت ممکن است منجر به خلق و ابداع روش جدیدی نیز بشود (همان، ص ۱۵).

همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش مهارت‌های اجتماعی به درجات سلامت و بهداشت کودکان و نوجوانان کمک می‌کند و تاثیر این آموزش‌ها در کاهش مصرف سیگار، الکل، وابستگی به مواد (باتوین و ویلیامز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰) (باتوین، باتوین، فیلازولا و میل من<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴) پیشگیری از خشونت و بزهکاری (گی‌نر، وبستر و چامپیون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳)، جلوگیری از خودکشی (لافروم بایس و هوارد پیتنی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴)، کاهش علایم و نشانه‌های

1. Botvin & Williams
2. Botvin & Botvin, Filazzlola & Millman
3. Gainer, Webster - Chapion
4. La.Formbise & Howard - Pitney

منفی «روان نژندی‌های کنشی»<sup>۱</sup> (لوسی<sup>۲</sup> ۱۹۹۸) کاهش علایم اختلالات (ترونر و داکماتون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵) سازگاری هیجانی (داردن و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶) تصویر از خود، خودکار آمدی، سازگاری اجتماعی و هیجانی و کاهش اضطراب، پیشگیری از بی‌بند و باری جنسی (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۴) نشان داده شده است (همه به نقل از قلعه اسدی، ۸۶، ص ۷۳-۷۲).

(ویچروسکی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰) نشان داده است که آموزش مهارت‌های زندگی موجب افزایش عزت نفس شده و انعطاف پذیری در مقابل تغییرات را افزایش می‌دهد. البرتین<sup>۶</sup> و دیگران (۲۰۰۱، همان، ص ۷۳) نیز نشان داده‌اند که این آموزش، باعث افزایش توانایی افراد در کنترل مسایل و مشکل‌ها می‌شود، این افراد به صورت ارادی به آرمیدگی دست می‌یابند (گیلبرت<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶، همان، ص ۷۳). از عهده فعالیت‌هایی چون برنامه‌ریزی‌های مربوط به حل مسئله برآمده و از روش‌های موفق تری برای حل مسئله استفاده می‌کنند. این آموزش باعث می‌شود سطح اضطراب و خشم کاهش یافته، مهارت‌های شناختی و حرمت خود افزایش یابد (سی جاکوسکی<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰، همان، ص ۷۳) با توجه به پژوهش‌هایی که نشان داده‌اند فقدان ویا حذف مهارت‌های اساسی، فرد را مستعد و آسیب‌پذیر نسبت به مشکل‌ها و آسیب‌های روانی - اجتماعی می‌کند، منطق آن است که فرصت‌هایی فراهم شود تا افراد چنین مهارت‌هایی را بیاموزند، آگاهی بیشتر افراد با مهارت‌های اساسی زندگی جهت پیشگیری و یا کاهش مشکل‌های روانی - عاطفی، بسیار لازم و ضروری است، زیرا اغلب این افراد به دلیل شرایط خاص خانوادگی و اجتماعی، فرصت مناسب جهت کسب مهارت‌های اساسی زندگی را نداشته‌اند و در صورت آموزش مهارت‌های زندگی، وضعیت سلامت این افراد بهبود خواهد یافت. (قلعه اسدی، ۱۳۸۶، ص ۷۴). در یک بررسی دیگر

1. functional psychosis
2. Lucchi
3. Turner & Duckmanton
4. Darden
5. Wichchroski
6. Albertyn
7. Gillbert
8. Syjakowski

توسط و کیلی، ص ۴۸-۳۹) انجام شده نشان داده که آموزش مهارت‌های اجتماعی (مهارت حل مسئله) در کنترل خشم نوجوانان ۱۲-۱۵ ساله به طور معنی داری موفق بوده است. پرخاشگری به عنوان یک مشکل شدید و رو به افزایش در میان نوجوانان شناخته شده است. در حال حاضر، پرخاشگری یک مساله اجتماعی و یکی از موضوعات اساسی بهداشت روانی به حساب می‌آید (نیکولسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). دیدگاه نظریه پردازان شناختی در مورد رفتار کنترل نشده، شرورانه و پرخاشگرانه این است که ویژگی این رفتارها با طیفی از انحرافات شناختی - اجتماعی و مهارت‌های ناکافی حل مساله مشخص می‌شود (برایت و رایین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴؛ کازدین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴؛ کندال<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳؛ کندال و هولون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴) نوجوان خشمگین معمولاً نمی‌تواند به درستی پیامدهای رفتار خود را پیش بینی کند و در محرک‌های اجتماعی نشانه‌های خصمانه می‌بینند.

در تفسیر معنای رفتار دیگران نشانه‌های ترس را مد نظر قرار می‌دهند، رفتار دیگران را در موقعیت‌های مبهم به مقاصد خصمانه ربط می‌دهند و درک درستی از سطح پرخاشگری خود ندارند (و کیلی، ص ۴۸-۳۹)

آموزش مهارت‌های اجتماعی برای پیش‌گیری از پرخاشگری در سنین بالاتر (نوجوانی) بخش مهمی از برنامه‌های جهانی پیش‌گیری از پرخاشگری است.

برنامه‌ی مهارت‌های اجتماعی در برگیرنده رشد مهارت‌هایی است که در بهداشت اجتماعی و عاطفی کودکان نقش اصلی دارد.

یکی از مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی، آموزش هم‌نوایی است، هم‌نوایی مهارتی است که به عنوان بنیان حل مسئله و مدیریت هیجان، مطرح می‌شود. (ایگرت<sup>۶</sup>، ۱۹۹۴، همان) شواهد بسیاری وجود دارد که نقش هم‌نوایی را در ارتقاء تحصیلی نوجوانان نشان می‌دهد و

- 
1. Nicholson
  2. Bright & Rabbing
  3. Kazdin
  4. Kendal
  5. Hollon
  6. Eggert

رفتارهای اجتماعی آنها را بهبود می‌بخشد (تیترا، ۲۰۰۶) کودکانی که در بر چسب زدن و توصیف هیجانات خود موفق‌تر هستند نشان دادند که بهتر مورد قبول همسالان خود قرار می‌گیرند (همان). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کودکان می‌توانند مدیریت احساساتی مانند خشم را بیاموزند (نیکولسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳، همان) یکی از روش‌های کنترل خشم، آموزش مهارت‌های حل مسئله است. آموزش مهارت حل مساله مجموعه‌ای از مراحل است که شرایطی را برای هدایت کودک فراهم می‌کند. تا در موقعیت‌های اجتماعی با پاسخ‌های سازگارانه، نسبت به همسالان عمل کند (فرنچ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲، همان) در مجموع پژوهشگران معتقدند که پرخاشگری و کنترل ضعیف، از مهم‌ترین مشکلات این افراد است، بنابراین در هر زمانی باید فرایندهای اسنادی، انحراف شناختی، گفتگو در موقعیت‌های کشمکش‌زا، نسبت دادن صحیح عواطف، کم بود مهارت‌های اجتماعی و راه کارهای عمومی حل مسائل مد نظر قرار بگیرد (همان).

محققان توضیح می‌دهند پژوهش در تکامل اجتماعی به سرعت در حال سرعت است و به همین دلیل ممکن است در آینده نزدیک به مهارت‌های دیگری نیر پی ببریم. در مطالعه دیگری که در دانشگاه کلمسون روی دانشجویانی که مشکلات رفتاری، تحصیلی و یادگیری داشتند انجام شده است، این دانشجویان را تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار داده‌اند و در نهایت مشخص شد که آموزش مهارت‌های زندگی باعث افزایش علاقه آنها به آموزش، درس و تحصیل و لذت بردن از زندگی شده است (میلسوم<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰).

در پژوهشی دیگر، تعدادی از دانشجویان یک دانشگاه را به دو گروه تقسیم کردند، دانشجویانی که تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار گرفتند و دانشجویانی که از این آموزش‌ها محروم بودند در پایان بررسی مشخص شد دانشجویانی که از آموزش مهارت‌های اجتماعی بهره‌برده بودند از نظر رشد رفتاری و تحصیلی در وضعیت بهتری قرار

- 
1. Teeter
  2. Nicholson
  3. French
  4. Milsom



داشتند. دویینزا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰). در یک بررسی دیگر که بر روی دانشجویان در تایوان انجام شده است، مشاهده گردید که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث بهبود و پیشرفت رفتارهای اجتماعی و همچنین بهبود وضعیت اقتصادی آنها در آینده شده است (ین وو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). در مطالعه‌ای که در ایران توسط (به پژوه، احمد، ۱۳۸۶) روی دانش آموزان نابینا انجام شد بدست آمد که آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی باعث بالا بردن عزت نفس در این دانش آموزان شده به نحوی که در تعامل با همسالان خود با عزت نفس بالایی رفتار می‌کرده‌اند. کتترل<sup>۳</sup>، (۲۰۱۰) معتقد است اگر کودکان از سن ۳-۵ سالگی با والدینی زندگی کنند که آنها از وضعیت مهارت اجتماعی خوبی برخوردار باشند، آنها نیز در آینده از وضعیت مهارت‌های اجتماعی و بهداشت روانی بهتری برخوردار خواهند بود.

همچنین جرج گازدا معتقد است، انسان در نتیجه فرایند اجتماعی شدن، برخی از مهارت‌های ارتباطی بین فردی را کسب می‌کند، اما سطح عملکرد او در این مهارت‌ها را می‌توان بهبود بخشید. هر فردی برای آن که در روابط انسانی خود فهمیده‌تر، مودب‌تر، صمیمی‌تر، بی‌ریا‌تر، آزاد اندیش‌تر، صریح‌تر و عینی‌تر رفتار کند، از ظرفیت بالایی برخوردار است، اما با کمک مجموعه مستحکمی از دانش نظری، الگوی مناسب و فرصت‌های تجربه شخصی می‌توان فرایند انسان کامل‌تر شدن او را تا حد زیادی تسریع نمود. (گازدا<sup>۴</sup>، به نقل از شاه‌ولی، ۱۳۸۱، ص ۴۱).

پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که بسیاری از مشکلات بهداشتی و اختلالات روانی ریشه‌های روانی اجتماعی دارند، از جمله پژوهش‌ها در زمینه سوء مصرف مواد نشان داده است کمبود مهارت‌های اجتماعی با سوء مصرف مواد رابطه دارند (مک دانالد<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۱، به نقل از نوشادروان، خسرو، ۱۳۸۹)

(<http://eslahe.com/article778-htm/>)

- 
1. Dobbins
  2. Yenwu
  3. Kettler
  4. Gazda
  5. Donald

همچنین زیمرمن<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۲) بین مهارت‌های اجتماعی و وضعیت تحصیلی نیز ارتباط معنی داری بدست آورده‌اند (همان). بین عزت نفس پایین و سوء مصرف الکل نیز ارتباط معنی داری بدست آمده است (سینگ و مصطفی، ۱۹۹۴، به نقل از همان) اسمیت<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای روشن کرد که افزایش مهارت‌های اجتماعی نقش پیشگیرانه در کاهش مصرف الکل و مواد مخدر در جوانان داشته است، (همان، ۱۳۸۹).

### فردوسی و انتخاب روش‌های آموزشی

یکی از مهارت‌های اجتماعی مهم پرسش می‌باشد، فردوسی هفت بزم خود را به صورت پرسش و پاسخ طراحی و ترسیم کرده است. در این قسمت به موضوع پرسش از دیدگاه نظریه پردازان مهارت‌های اجتماعی می‌پردازیم:

پرسش یکی از رایج‌ترین و در عین حال یکی از ساده‌ترین مهارت‌ها است. پرسش و تقویت جزء مهارت‌های اصلی تعامل اجتماعی هستند. استرگ و خوارز<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) به نقل از بیگی، (۸۴، ص ۱۰۹) می‌گویند، مهمترین شکل تعامل انسانی، ارتباطی است که بر مبنای پرسش و پاسخ پی‌ریزی شود. پرسش به عنوان یک مهارت در تمامی سطوح تعامل اجتماع مورد نیاز است. کودکانی که محیط جدیدی را کشف می‌کنند خود به خود پرسش‌هایی به ذهن‌شان خطور می‌کند و برای پرسش‌های روز افزون خود مدام به دنبال پاسخ می‌گردند. در این مرحله کودکان سعی می‌کنند برای معنا کردن اشیای اطراف خود اطلاعاتی کسب کنند، پرسش‌ها نقش مهمی را در یادگیری و فرآیند رشد ایجاد می‌کنند. پس مهارت پرسش کردن از همان بدو امر اهمیت می‌یابد (هارجی، ۱۳۸۴، همان، ص ۱۱۰).

درباره، ماهیت و کارکردهای پرسش، بررسی‌های زیادی صورت گرفته است و کتاب‌های زیادی در حوزه‌های مختلف نوشته شده است از جمله: ارتباط (دیلون، ۱۹۹۰، همان، ص ۱۱۰) زبان‌شناسی (میر ۱۹۸۸، همان، ص ۱۱۰)، منطق (کیفر<sup>۴</sup>، ۱۹۸۲، همان)، مشاوره

- 
1. Zimerman
  2. Smite
  3. Strack & Schwarz
  4. Kiefer

(لانگ<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۹۸۱، همان) روان‌شناسی (گرسر و بلک<sup>۲</sup>، همان)، مصاحبه (سادمین<sup>۳</sup> و برادبرن، ۱۹۸۲)، تدریس (دیلسون، ۱۹۸۸)، حقوق (کستلر<sup>۴</sup>، ۱۹۸۲)، باز پرس (گادیونسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲) و روزنامه‌نگاری (متزیر<sup>۶</sup>، ۱۹۸۸) البته به موارد فوق باید مقالات تحقیقات و فصول زیادی که درباره کاربرد و اثرات پرسش نوشته شده‌اند را هم بیفزاییم. سابقه تحقیق درباره کاربردهای پرسش در مشاغل مختلف به بیش از نیم قرن قبل می‌رسد، یکی از اولین بررسی‌ها در این زمینه توسط کوری<sup>۷</sup> (۱۹۴۰) صورت گرفت.

استنستروم<sup>۸</sup> می‌گوید، تجسم گفتگو بدون پرسش و پاسخ دشوار است. این دو نه تنها راهی برای شروع گفتگو هستند، بلکه انجام آن را خیلی آسان‌تر می‌سازند و اهداف مختلفی را برآورده می‌سازند. ردیارد کیپلینگ<sup>۹</sup> (۱۹۰۲) یکی از قدیمی‌ترین طبقه‌بندی‌ها را ارائه داده است: او می‌گوید، چه، چرا، چه موقع، چگونه، کجا و چه کسی شش خدمت‌گذار صادق من هستند. پرسش و پاسخ انواع مختلف دارد و در این باره تحقیقات و بررسی‌های فراوانی انجام شده است. هر آنچه می‌دانیم را مدیون آنها هستیم.

چه، چرا، چه موقع، چگونه، کجا و چه کسی.

پرسش‌های یادآور، پردازشی، پرسش‌های باز، بسته، پرسش‌های عاطفی، پرسش‌های هدایتی، پرسش‌های تشریح‌کننده<sup>۱۰</sup>، پرسش‌های تسجیلی<sup>۱۱</sup> که این پرسش‌ها خود دارای زیرگروه‌های فراوانی هستند که بحث و تحلیل آن هدف این پژوهش نیست و به پژوهش جداگانه نیاز دارد (همه به نقل از بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵-۱۱۳).

**فردوسی از چه نوع پرسشی استفاده کرده است؟ شایان ذکر و بسیار عجیب است**

1. Long
2. Graeser & Black
3. Sudman
4. Kestler
5. Gudjonson
6. Metzger
7. Corey
8. Stenstroem
9. Rudyard kipling
10. probing questions
11. rhetorical questions

که فردوسی از روش و نوع پرسش‌های پردازشی استفاده کرده است که عالی‌ترین نوع پرسش به شمار می‌رود. به عنوان مثال پرسش‌های یادآور، جزو پرسش‌های شناختی سطح پایین و پرسش‌های پردازشی جزو پرسش‌های شناختی سطح بالا طبقه بندی شده‌اند (هارجی، ۱۹۸۰، همان، ص ۱۱۵) تمایز بین یادآوری و پردازشی بیشتر در حوزه آموزش و پرورش و پژوهش‌های مربوط به تعاملات کاربرد دارد.

**پرسش‌های پردازشی:** به این دلیل به این پرسش‌ها پردازشی می‌گویند که پاسخ دهنده را ملزم می‌سازد به فرآیندهای عالی‌تر ذهن متوسل شود. فرآیندهایی همچون ابراز عقیده، توجیه، قضاوت یا ارزیابی، پیش‌بینی، تحلیل اطلاعات، تفسیر وضعیت یا تعمیم، به عبارت دیگر پاسخ دهنده باید پاسخ‌هایی در سطح عالی بدهد.

پرسش‌های پردازشی اغلب پاسخ صحیح و کوتاهی ندارند و پاسخ‌های طولانی‌تری دارند که در یکی دو کلمه خلاصه نمی‌شوند. وقتی از پرسش‌های پردازشی استفاده می‌کنیم که از طرف مقابل انتظار داریم عمیق‌تر فکر کند. به همین دلیل هم از این نوع پرسش‌ها برای بررسی و سنجش توانایی افراد در برخورد با اطلاعات عالی‌تر استفاده می‌شود. پرسش‌های پردازشی دامنه عمل بیشتری را فراهم می‌سازند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پرسش‌های پردازشی به افزایش فعالیت و پیشرفت کسانی کمک می‌کنند که از توانایی‌های عقلانی بالایی برخوردارند و پرسش‌های یادآور برای افرادی مناسب‌تر هستند که توانایی عقلانی پائینی دارند (هارجی، ۱۳۸۴، همان منبع، ص ۱۳۷-۱۰۹).

در نتیجه آن که یکی از بهترین روش‌های آموزشی پرسش و پاسخ می‌باشد. روش پرسش و پاسخ نیز دارای انواع مختلفی است، امروزه مطالعات وسیع نشان داده است که بهترین روش پرسش و پاسخ روش پرسش و پاسخ پردازشی است. همان روشی که فردوسی با هوش سرشار خود قرن‌ها پیش به صورت خودجوش و تجربی آن را به کار گرفته است دیگر آن که او، جلسات هفت بزم را بر مبنای پرسش و پاسخ باز و نه بسته که جوابی محدود دارند طراحی کرده است در روش پرسش‌های باز که یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های مبتنی بر درجه آزادی پاسخ دهنده در پاسخ دادن یا دامنه پاسخ است، برخی پرسش‌ها پاسخ دهنده را محدود می‌سازد. پرسش‌های باز پرسش‌هایی هستند که به شکل

های مختلفی می‌توان با آنها پاسخ داد و پرسش‌های بسته، پاسخ‌های محدود و کوتاه دارند (همان، ص ۱۲۰).

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های باز راه‌های مختلفی وجود دارد و نوع پاسخ، بستگی به پاسخ‌دهنده دارد. در این نوع پرسش‌ها پاسخ‌دهنده آزادی عمل زیادی دارد. دامنه این پرسش‌ها وسیع است و پاسخی بیش از یکی دو کلمه ندارند؛ اما گاهی این نوع پرسش‌ها با توجه به چارچوب مرجع آنها به تدریج محدودتر می‌شوند. پرسش‌های باز به پاسخ‌دهنده اجازه می‌دهند نگرش‌ها، افکار و احساساتش را ابراز نمایند. پرسش‌های باز طرف مقابل را تشویق به صحبت می‌کنند. یکی از فواید پرسش‌های باز این است که گاهی پاسخ‌دهنده اطلاعاتی غیرمنتظره را فاش می‌سازد. وقتی شخص پاسخ‌دهنده از اطلاعات تخصصی برخوردار است، این نوع پرسش‌ها باعث می‌شوند تا او به راحتی دانش و آگاهی خود را منتقل سازد. شواهد نشان می‌دهند پرسش‌های باز برای پاسخ‌دهندگان که از لحاظ عقلانی ضعیف هستند، نامناسب است (همان).

مقایسه پرسش‌های باز و بسته نشان می‌دهد که پرسش‌های باز، با مصاحبه‌شوندگان را وادار به خود افشایی و ارائه پاسخ‌های صحیح‌تر می‌کند و آگاهی‌شونده (مشاور) را افزایش می‌دهد (هارجی، ۱۸۸۴، همان).

برای بررسی دقیق‌تر نحوه به کارگیری نوع پرسش‌های خالق شاهنامه به پژوهشی جداگانه نیاز است و در گنجایش و هدف این پژوهش نیست؛ و همچنین برای تفکیک، تجزیه و تحلیل انواع مهارت‌های اجتماعی به کار برده شده در شاهنامه نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تر دیگری هستیم. گرچه در ظاهر، پرسش یکی از ساده‌ترین مهارت‌های اجتماعی است، اما با کمی دقت در می‌یابیم که مهارتی بسیار پیچیده است. همان‌طور که دیلسون (۱۹۸۶) گفته است سوال کردن آسان است، پرسیدن سوال‌های روزمره در محیط‌های تخصصی نیز کار ساده‌ای است؛ اما پرسیدن سوال‌های آموزنده کار بسیار دقیق و حساسی می‌باشد. بنابراین در این توصیه ولتر که می‌گوید (افراد را از پرسش‌هایشان بشناس، نه از پاسخ‌هایشان) حقیقی نهفته است؛ و ما خوب می‌دانیم که در این بزم‌ها پرسش‌کننده و پاسخ‌دهنده هر دو افکار بلند و ذهن و شناخت هوشمند، دقیق و ظریف خالق

شاهنامه یعنی حکیم ابوالقاسم فردوسی است. لذا در می‌یابیم که فردوسی هم پرسش‌گر و هم پاسخ‌دهنده است. هدف ما در این پژوهش تطبیق مهارت‌های اجتماعی بیان شده در متون علمی با بیانات حکیم بزرگ طوس نیست که آن نیز خود پژوهشی جداگانه را طلب می‌کند. هدف از این پژوهش بازخوانی آموزش و مهارت‌های اجتماعی از زبان فردوسی در بیش از هزار سال پیش یعنی در سال ۳۰۹ هجری قمری آن هم به عنوان بخش کوچکی از اثر اوست؛ و این که چگونه آموزش‌های او فرهنگ و تمدنی را ساخته و پرداخته و نهادینه کرده است. هدف از این پژوهش کند و کاوی چند در اندیشه‌های آن متفکر بزرگ و افتخار مجدد به ذهن و قلم بی‌مانند او می‌باشد که خود در نهایت چگونه مورد بی‌مهری و ناسپاسی فردی قرار گرفت که از مهارت‌های اجتماعی بی‌بهره بود. یکی از مهارت‌هایی که در شاهنامه زیاد از آن نام برده می‌شود مهارت سپاس است، فردوسی دل‌بستگی عجیبی به واژه سپاس دارد و به دفعات از این واژه به درستی استفاده کرده است. سپاس از خداوند خورشید و ماه بدانش مرا از و او رهنماست؛ و این واژه را زمانی به کار می‌برد که هنوز مورد بی‌مهری و ناسپاسی محمود غزنوی قرار نگرفته است و نتیجه می‌گیریم که به کارگیری واژه سپاس توسط حکیم بزرگ اشتغال ذهنی خودش نیز بوده است و به این صفت آراسته، لذا ناسپاسی سلطان محمود غزنوی او را به شدت آشفته و مهموم کرده است و می‌توان نتیجه گرفت که وقایع پیش آمده بین فردوسی که خود آموزگار مهارت‌های اجتماعی بوده است و سلطان غزنوی واقعی و حقیقی است. چرا که واکنش به جا و ابراز وجود نیز یکی از موارد مهارت‌های اجتماعی محسوب می‌شود، آن چنان که او در برخورد با محمود غزنوی انجام داده است. او که خود خالق اندیشه‌های مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی است بدون شک رفتارهایی که در این راستا نباشد را زودتر و بهتر از هر فرد دیگری تشخیص خواهد داد و تاثیر تخریبی بیشتری را نیز نصیبش خواهد ساخت آن چنان که در مورد فردوسی اتفاق افتاد. شاهرخ مسکوب در مقدمه‌ای که بر داستان رستم و اسفندیار نوشته است، به نکته‌ای اشاره می‌کند که همچنان تازه است و حسرت‌آور:

هزار سال از زندگی تلخ و بزرگواری فردوسی می‌گذرد. در تاریخ ناسپاس و سفله‌پرور

ما، بیدادی که بر او رفته است ماندنی ندارد و در این جماعت که ماییم، با هوس‌های ناچیز و آرزوهای تباه، کسی را پروای کار او نیست و جهان شگفت شاهنامه، همچنان برارباب فصل در بسته و ناشناخته مانده است (به نقل از مهاجرانی، ۱۲۰).

از دیگر مهارت‌هایی که فردوسی در هفت بزم به کار گرفته استفاده از مهارت تقویت است در جلسات بزمی که تحت عنوان هفت بزم، فردوسی به خوبی طراحی می‌کند، از عنصر تقویت و پاداش نیز به عنوان یکی دیگر از مهارت‌های اجتماعی مهم به خوبی و به موقع استفاده می‌نماید. مهارت تقویت یکی از اصول بنیادی حاکم بر رفتار است این است که انسان‌ها در فعالیت‌هایی شرکت می‌کنند که پیامدهای ارزشمندی برای آنها در برداشته باشند. ما بنا به تجربه، اعمالی را که پیامد و نتایج اندک و یا اثرات ناخواسته‌ای در بردارند ادامه نمی‌دهیم.

انوشیروان پس از پایان هر بزم و شنیدن سخنان بزرگمهر دستور می‌دهد که بلافاصله به نحو شایسته‌ای از بزرگمهر تجلیل مادی و معنوی شود این معنی واقعی مهارت تقویت است:

بفرمود تا نام او سرکنند

بدانگه که آغاز دفتر کنند

میان جهان بخت بوذرجمهر

چو خورشید تابنده شد بر سپهر (فردوسی).

ارگابل (۱۹۸۳، همان، ص ۷۷) می‌گوید، ما به طرق مختلفی می‌توانیم رفتار دیگران را پاداش دهیم: ابراز گرمی و لطف، ابراز علاقه و توجه، تحسین، سلطه‌پذیری، کمک کردن یا گشاده‌رویی. اساس مفهوم تقویت به عنوان یکی از مهارت‌های میان فردی را هم تاثیر این اعمال بر رفتارهای دیگران تشکیل می‌دهند. تقویت نیز دارای طبقه‌بندی و انواع مختلفی است. یکی از آنها تقویت‌کننده‌های اجتماعی است پاداش‌ها و تقویت‌کننده‌های اجتماعی پیامدهای زیادی دارند، دیکسون<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۳، همان، ص ۸۷)، این پیامدها

1. Dickson

را به شرح ذیل دسته بندی می کنند:

- ۱- افزایش تعامل و حفظ روابط
- ۲- افزایش درگیری طرفین با یکدیگر
- ۳- تاثیرگذاری با ماهیت و محتوای سهم طرفین در رابطه
- ۴- ابراز علاقه واقعی به ایده‌ها، افکار و احساسات طرف مقابل
- ۵- جالب و لذت بخش ساختن تعامل
- ۶- ایجاد گرمی و تفاهم
- ۷- افزایش جذابیت فرد پاداش دهنده
- ۸- افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس طرف مقابل
- ۹- ابراز قدرت

ما در برخورد های اجتماعی نه تنها از پاداش گرفتن خشنود می شویم، بلکه گرفتن حداقل پاداش را حق خود می دانیم، وقتی این مقدار پاداش را کسب نمی کنیم به خود حق می دهیم تا آن رابطه را به نفع برقراری روابط جذابتر قطع کنیم (همان، ۷۷-۱۰۷). پاداش علاوه بر آنکه بر عملکرد تعامل کنندگان و گفتار آنان تاثیر می گذارد، اطلاعاتی نیز درباره شخص پاداش دهنده به ما می دهد؛ مثلا وقتی کسی ما را به شدت تصدیق می کند، تصور می کنیم به ما و حرف های ما علاقه زیادی دارد و او را فردی گرم، پذیرا و فهیم تصور می کنیم. برای مثال زیمر و پارک<sup>۱</sup> (۱۹۶۷، همان، ۸۹) متوجه شدند مشاورانی که به دیگران القاء می کنند گرم و صمیمی هستند، در عمل نیز توجه و حمایت بیشتری از خود نشان می دادند، اما کسانی که پاداش های اجتماعی اندکی به دیگران می دادند اشخاص سرد، کناره گیر، افسرده، ملول یا حتی کسل کننده تلقی می شدند. چند بررسی مهم نشان داده اند که مردم تشویق و سایر ارزیابی های مثبت و کسانی که چنین کارهایی می کنند را دوست دارند (آرنسن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴، همان، ۹۰).

به خصوص اگر تقویت ها و تشویق ها در جمع انجام شود و در حضور کسانی که در

---

1. Zimmer & Park  
2. Aronson



صحنه حضور دارند بر آنها تاثیر مثبت خواهد داشت. همان کاری که فردوسی می‌کند، فردوسی از زبان نوشیروان در جمع بزم ترتیب داده شده می‌گوید:

بفرمود تا نام او سرکنند، بدانگه که آغاز دفتر کنند و یا گزارنده خواب را بدره داد، ز اسب و پوشیدنی بهره داد، نوشتند نامش به دیوان شاه بر موبدان نماینده راه این برای آن است که تاثیر مثبت این پاداش را هم به دیگران القاء کند. که دانایی و خردمندی و انجام کار نیک بدون پاداش و پاسخ نمی‌ماند. فردوسی هیچ گاه در هیچ شرایطی نقش آموزگاری و کلام آموزشی خود را فراموش نمی‌کند او به معجزه کلام باور قلبی دارد. فردوسی به این موضوع قرن‌ها پیش یادآور شده است که ارتباط‌های انسانی بسیار تاثیرگذار و تعیین کننده است. چون نداشتن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و در نتیجه ارتباط ناموثر موجب فاصله بین فردی عمیق می‌گردد که در همه جنبه‌های زندگی و همه بخش‌های جامعه تجربه می‌شود. پیامد فروپاشی ارتباط در اغلب موارد، تنهایی، مشکلات خانوادگی، عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، فشار روانی، بیماری جسمی و حتی مرگ خواهد بود. علاوه بر ناامیدی شخصی و اندوه ناشی از آن، در حال حاضر شکاف بین فردی نیز یکی از مسائل عمده اجتماعی در جامعه غمگین به شمار می‌رود بولتون<sup>۱</sup> (۱۳۸۱ به نقل از سهرابی، ص ۳۶-۲۵) به نقل از همان منبع.

**موضوع مرگ یا زندگی:** مهارت‌های اجتماعی در دنیای امروز که افراد به سرعت از یکدیگر فاصله می‌گیرند از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد، آدم‌هایی برای برقراری ارتباط و خروج از تنهایی موفق‌تر هستند که از مهارت‌های زندگی بهتری برای برقراری ارتباط برخوردار باشند. (بولتون ۱۳۸۱، همان)

با وجود این که ارتباط بین فردی بزرگترین دستاورد بشری محسوب می‌شود. افراد معمولی، به خوبی قادر به برقراری ارتباط نیستند، ارتباط سطح پایین ممکن است به تنهایی، دوری از دوستان، همسران، کودکان و نیز عدم کارآیی شغلی منجر شود. مطالعات پژوهشی نشان می‌دهند، که همه افراد علی‌رغم گرایش به تدافعی بودن، در هر سنی می

---

1. Bolton

توانند مهارت‌های ارتباطی خاص را بیاموزند که به بهبود روابط و افزایش کارآیی شغلی آنان منتهی شود. موضوعی که فردوسی به خوبی از کاربرد آن آگاه بوده است. از آن جا که دانش بومی مهارت‌های اجتماعی از دیر باز در فرهنگ ایرانی وجود داشته و همان طور که پیش‌تر گفته شد، از طریق شاهنامه خوانی نقالی، نقش خوانی، پرده خوانی این مهارت‌ها به تمام لایه‌های اجتماعی نفوذ پیدا کرده است لذا یک آمادگی ذهنی و تاریخی برای نشر و گسترش آن وجود دارد.

**دانش بومی چیست؟** طبق تعریف، دانش بومی دانشی است که در سالیان متمادی توسط مردم و جامعه محلی پایه‌ریزی و بنیان‌گذاری شده و به مرور زمان به صورت معتبری نشر یافته و در جوامع مختلف، از سرمایه‌های فرهنگی، زمینه‌های تاریخی و بافت‌های اجتماعی کاملاً متفاوتی برخوردار است (شکاری، ۸۸، ص ۱۰۵).

بعضی از قسمت‌های قطره‌های دانش بومی در استخر دانش جهانی مشارکت دارد و اگر سایر قطره‌ها و تجربه‌ها یا قسمت‌های آن در دانش جهانی مشارکت ندارند، تنها به این خاطر است که این قسمت‌ها در بافت و جامعه محلی خود حائز اعتبار می‌باشند.

**تئوری درخت<sup>۱</sup> چیست؟** تئوری درخت بیانگر این مطلب است که دانش بومی باید ریشه در سنت‌ها و ارزش‌های بومی داشته باشد اما در عین حال بتواند عناصر خارجی مفید را از دانش جهانی جذب نماید تا به یک رشد جامع از لحاظ داخلی و خارجی برسد. چنگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۴ به نقل از همان، ۱۰۵-۱۳۴) اعتقاد دارد که خیلی از کشورهای آسیایی که تجارب طولانی در حمایت از فرهنگ و هویت‌شان در مقابل چالش‌های جهانی سازی دارند و متمایل به استفاده از تئوری درخت در جهت ترویج و رشد دانش بومی به خصوص در زمینه آموزش و پرورش هستند.

تلفیق دانش بومی مثل اندیشه‌های حکیم طوس با نظریه‌های جدید مهارت‌های اجتماعی می‌تواند همراه و همزمان با رشد و گسترش روز افزون اندیشه‌های مهارت‌های اجتماعی با زیربنای فرهنگی موجود به سرعت و در کوتاه مدت در کشور از درون خانواده

---

1. Tree  
2. Cheng

ها تا مهد کودک، مدارس، دانشگاه و محیط کار نهادینه نماید؛ و اثرات مفید و سازنده آن را مشاهده نمود. از نقاط قوت تئوری درخت حمایت از ارزش‌ها، سنت‌ها و هویت، فرهنگ، تاریخ، زبان ملی و انباشتن دانش بومی برای توسعه بومی است و از آن جا که عموماً مبتنی بر ریشه‌های فرهنگی است، پایدار و تدریجی است و در توسعه دانش و جامعه جهانی نقش دارد؛ اما اگر ریشه‌های جامعه بومی از قدرت و غنای لازم برخوردار نباشد، رشد و توسعه فردی و اجتماعی را با مشکل مواجه می‌سازد. به علاوه محرز است که بدون تغییرات فرهنگی، توسعه جامعه بومی نیز عموماً در سطح تغییرات کوتاه مدت باقی خواهد ماند و از یک دانش سطحی برخوردار خواهد شد (همان، ص ۱۳۴-۱۰۵).

پایک و سلبی<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، به نقل از آقازاده، (۱۳۸۸) آموزش سلامت و مهارت‌های زندگی را برای برنامه‌های درسی پیشنهاد نموده‌اند و این نشان می‌دهد که موضوع آموزش مهارت‌های زندگی به یک موضوع جهانی تبدیل شده است و نمی‌توان نسبت به این توسعه آموزش و پرورش بی‌توجه بود، در غیر این صورت بی‌توجهی به مبانی فکری، فرهنگی و ادبی بومی به جایی ختم خواهد شد که ناگزیر براساس تئوری آمیب که در این تئوری کم‌ترین توجه به ریشه‌های ملی و فرهنگی ندارد و افراد بدون هویت بومی دارای تفکر جهانی شده و از منابع دانش خارجی بدون کم‌ترین مشارکت بومی استفاده می‌شود استفاده خواهد شد؛ و حتی رشد دانش بومی در گرو استفاده از دانش خارجی دانسته می‌شود.

اگر از دیر باز ایرانیان را به عنوان مردمانی با فرهنگ و با مهارت می‌شناسند بدون شک نقش آموزگاران بزرگی چون فردوسی را نباید در این باره نادیده گرفت.

آموزش جوانمردی، ادب، احترام، از خود گذشتگی، آداب پهلوانی، نحوه تفکر و تکلم، پرسش و پاسخ، پاداش، سپاس‌گزاری و دیگر موارد مهارت‌های اجتماعی که امروزه به صورت علمی مطرح می‌شود بیش از هزار سال پیش فردوسی اندیشمند و آینده‌نگر آنها را در اشعار و داستان‌های خود آورده است و به صورت شاهنامه خوانی، نقالی، پرده

---

1. Pike & Selby

خوانی، نقش خوانی و نقش گویی در تمام لایه‌های اجتماعی و حتی بی‌سواد و تحصیل نکرده از روزگاران پیشین تا کنون به صورت کلاسی گسترده به پهنای ایران زمین تدریس می‌شده است. تکرار، تمرین، ممارست و تاکید بر حفظ و به کارگیری آن آموزش‌ها در زندگی که آن را یکی از اصول بنیادی آموزش مهارت‌های اجتماعی در راستای نهادینه شدن آن آموزش‌ها می‌دانند و در نتیجه ارتقاء سطح فکری، فرهنگی، ادبی و رفتاری جامعه را از دیر باز می‌بایست مدیون فردوسی دانست. بسیار عجیب و تفکر برانگیز است که در بیش از هزار سال پیش این نابعه بزرگ چگونه به لزوم این مهارت‌ها پی برده بوده است و با تاکید و اصرار بر آموزش و اجرای آنها پای فشاری می‌کرده است. مواردی که اکنون پس از قرن‌ها در قالب آموزش مهارت‌های اجتماعی (Social skills) امروز در مراکز علمی جهان مطرح شده است و از عمر آن چند سالی بیش نمی‌گذرد. همان طور که در چکیده به آن اشاره شد ما ناگزیریم که در جهان صنعتی امروز که روابط انسانی و خانوادگی و آداب اجتماعی تحت تاثیر قرار گرفته و در حال کم رنگ شدن است و پیامدی جز آسیب‌های روحی و روانی و در نتیجه آسیب‌های اجتماعی نخواهد داشت دوباره فردوسی و شاهنامه خوانی، نقالی، پرده خوانی، نقش خوانی و نقش گویی را به سبک و روش و طراحی و خلاقیت و نوآوری جدیدی آن گونه که مورد پسند انسان امروزی به خصوص قشر جوان جمعیت کشور باشد به صحنه اجتماع بازگردانیم، امروزه به کمک رسانه‌ها و انقلاب تکنولوژیک موجود در این باره می‌توان بسیار موفق‌تر و موثرتر از گذشته عمل کرد و نتایج شگفت‌آوری را در اثرگزاری آن مشاهده کرد.

فردوسی آموزش مهارت‌های اجتماعی خود را با ترتیب جلسه‌ای فاخر با حضور انوشیروان پادشاه ساسانی، بزرگمهر و سایر اندیشمندان روزگار آغاز می‌کند او در داستان هفت بزم می‌گوید:

روزی انوشیروان دستور داد سفره گسترده و خوان نهادند و دستور داد که موبدان را بخوان دعوت کنند. موبدان دانا و دانش پذیر، موبدان سراینده و هوشمند. مدعوین بر سر سفره نشستند:

چونان خورده شد جام می‌خواستند

به می جان روشن بیاراستند  
 نه چندان که یابد نکوهش خرد  
 می آن مایه باید که جان پرورد.

محیط فیزیکی و فضایی که فردوسی تخیل و ترسیم می‌کند امروزه آن را شرط لازم و قدم اول در آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌دانند. پس رفتار فضایی بی‌شک یکی از مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی است زیرا نوع نشستن، مبلمان موجود و جایگاه تعامل کنندگان بر مقدار و نوع تعامل تاثیر می‌گذارد (هارجی، ترجمه، بیگی، ۱۳۸۴، ص ۶۶). این که فردوسی چگونه به این موضوعات که امروز به ضرورت آن پی برده‌اند توجه داشته جای تعجب و آفرین دارد و بیانگر هوش ذاتی و سرشار او است.

### بحث و نتیجه‌گیری

استاد میر جلال الدین کزازی معتقد است، ما اگر بخواهیم چیستی فرهنگ خود را پاس بداریم چاره‌ای نداریم تا پیش از پیش به جهان شاهنامه برگردیم او اضافه می‌کند: نه تنها ما از شاهنامه می‌توانیم در حفظ هویت ملی مان بهره ببریم بلکه ناگزیریم که چنین کنیم. چرا که شاهنامه بزرگترین و استوارترین سرچشمه خودآگاهی ماست و هویت فرهنگی و منش ما ایرانیان بیش از هر کتاب و شاهکار و اثر دیگر از شاهنامه بنیاد گرفته است. ما این هم که هستیم، آن در گرو شاهنامه و در بخشی بسیار گسترده، برآمده از جهان شاهنامه است. استاد کزازی معتقد است: رویکرد ما به پدیده‌های فرهنگی یا هنری به دو گونه می‌تواند باشد به ویژه اگر این پدیده‌ها به روزگاران گذشته باز گردد. یک رویکرد، رویکرد فرهنگی باستان‌گرایانه است. به سخن دیگر آن پدیده فرهنگی را گرمی می‌داریم که هنجاری نموداری از فرهنگ ما است به آن نمی‌اندیشیم که آیا در روزگار ما هم کارآیی دارد یا نه. در واقع برخورد و رویکرد ما تاریخی است پس به ضرورت شاهنامه خوانی در جامعه پی‌می‌بریم. استاد می‌گوید: باید شاهنامه را به میان مردم برد و در دامن ذهن ایرانیان بیاندازیم و این همان کاری است که شاهنامه در ایران نو و پس از اسلام داشته است... اگر ما در این جهان پر آشوب دگرگونی، بخواهیم ایرانی بمانیم می‌باید به شاهنامه بازگردیم. ما در جهانی هستیم و زندگی می‌کنیم که آگاهی در آن از در و دیوار، می‌بارد و ما

آماج آگاهی هستیم. آگاهی نه اندیشه، زیرا آگاهی می‌تواند نیک باشد یا بد، ما در دریای آگاهی شناوریم، پیداست که هر کس در دریاست به ناچار شناور است. اگر ما بخواهیم در این دریا پایگاهی برای خود بیابیم که بتوانیم بر آن بایستیم این پناهگاه بیش از پیش از هر چیز شاهنامه است.

شاهنامه تنها کتابی است که می‌توانیم آن را نامه فرهنگ و منش ایران بدانیم. استاد میرجلال‌الدین کزازی شاهنامه پژوه معاصر همه نتایج را به خوبی بیان کردند نگارنده نیز پیش از این آورده بودم که اگر نبود حضور شاهنامه از دیر باز در متن فرهنگ ما ایرانیان به طور یقین تفکر، منش و رفتار ما در حال حاضر از نوع دیگری بود. نگارنده معتقد است حضور شاهنامه در متن زندگی مردم در اعصار و قرون که تحصیلات کلاسیک و مدونی به صورت فعلی وجود نداشته است، شاهنامه و مراسم برگرفته از آن یک تنه کار آموزش نهادهای خانواده، مهد کودک، دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه را به نحو احسن و اکمل انجام می‌داده است. اگر مردم ایران زمین در آن دوران سواد خواندن و نوشتن نداشتند آموزش‌های متعالی شاهنامه که بخش کوچکی از آن در داستان هفت بزم آمده است و ما نیز به طور اجمال به گوشه‌هایی از مکانیسم‌های این داستان اشاره کردیم و با برداشتی مختصر از آن که خود منبع سرشاری است و درباره آن می‌توان کتاب‌ها نوشت [در مراسم‌های مختلف و متعدد شاهنامه خوانی برای او به صورت شفاهی خوانده می‌شده و بر اساس این گونه آموزش‌ها تفکر، بینش و منش او شکل می‌گرفته است. از آن جا که بخشی از مهارت‌های اجتماعی مثل، رفتار، ارتباط‌های اجتماعی، داد و ستدهای خانوادگی و محیطی، از خودگذشتگی‌ها، بردباری‌ها، تقویت‌ها، پرسش‌ها، خردورزی‌ها، بخشش‌ها، احترام به بزرگتر و سالمندان خانواده، سپاس، سپاس‌مندی و ... در گذشته بهتر از امروز بوده است می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های اجتماعی در نسل‌های گذشته بهتر از امروز انجام می‌شده است و بخش مهمی از آن مدیون شاهنامه می‌باشد. همان گونه که استاد میرجلال‌الدین کزازی نیز به آن اشاره کردند یکی از علل این مشکل می‌تواند شناوری در دریای آگاهی‌های مثبت و منفی باشد و همچنین دوری و فاصله گرفتن از آموزش‌هایی که ریشه در حافظه تاریخی و بومی ما ایرانیان دارد مثل دوری از

شاهنامه فردوسی بزرگ.

امید می‌رود این پژوهش منشاء تحقیق و بررسی‌های گسترده‌تر دیگر در زمینه آموزش مهارت‌های اجتماعی و برداشت‌های بیشتر از شاهنامه فردوسی گردد؛ و منجر به برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت ورود آموزش‌های برگرفته از شاهنامه در برنامه‌های آموزشی کلاسیک و متن زندگی مردم همچون گذشته شود که با استفاده از ابزار و تکنولوژی‌های نوین امروزی می‌توان بسیار بهتر و گسترده‌تر از گذشته در انتشار آن کوشید؛ و به اهداف از پیش تعیین شده به درستی دسترسی پیدا کرد، به امید آن روز.

### منابع

- آقازاده، محرم، عصاره، علیرضا، ۱۳۸۸، نظریه‌های جهانی شدن آموزش و پرورش از دیدگاه چنگ و استلزامات آنها برای برنامه درسی و آموزش، فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- بولتون، رابرت، ۱۳۸۱، روان‌شناسی روابط انسانی، سهرابی، حمید رضا، چاپ اول، تهران، رشد.
- بولتون، رابرت، ۱۳۸۰، مهارت‌های ارتباطی، شاه‌ولی، منصور، چاپ اول، شیراز، دانشگاه شیراز.
- به پژوه، احمد، خانجانی، مهدی، حیدری، محمود، شکوهی یکتا، محسن، ۱۳۸۶، بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان نابینا، فصل‌نامه پژوهش در سلامت روان شناختی، دوره اول، شماره ۳، تهران، تربیت معلم.
- شکاری، عباس، فردائی، خداداد، ۱۳۸۸، گونه‌شناسی تئوری‌های چندگانه در جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی، فصل‌نامه برنامه مطالعات درسی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- کلینکه، کریس، ال، ۱۳۸۴، مهارت‌های زندگی، محمدخانی، شهرام، چاپ ششم، تهران، اسپندهنر
- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، شاهنامه، چاپ چهاردهم، تهران، امیرکبیر
- قلعه اسدی، منیر، محمودنیا، علیرضا، ۱۳۸۶، تاثیر آموزش و مهارت‌های زندگی بر سلامت مددجویان، روان‌شناسی کاربردی، دوره ۱، شماره ۳

مهاجرانی، سید عطاءالله، ۱۳۸۴، مقدمه‌ای بر هفت خوان بزرگمهر، چاپ اول، تهران، امید ایرانیان.

وکیلی، پریش، ۱۳۸۶، ارزیابی تاثیر آموزش مهارت حل مساله (P.S.S.T) در کنترل خشم نوجوانان پسر ۱۵-۱۲، ساله اندیشه و رفتار

هارجی، اون، ساندرز، کریستین، دیکسون، دیوید، ۱۳۸۴، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، بیگی، خشایار، فیروزبخت، مهرداد، چاپ سوم، تهران، رشد.

Bakker, MP, orme1, J, Lindenberg, S, et al (2010) Generation of Interpersonal stress ful Events.

Dobbins N, Higgins K, Pieree T, Tandy R, Tingahi M (2010) An Analysis of social Skills intraction Brovided in Teacher Education and in Service Training Programs For General and Special Educators. Remedial and Special education Vol 31, no 5, 308-367.

Kettler - Feeny KA, Kratochwill TR, Kaiser AP, Hemmete RML, Kettler RJ (2010) Screening yaung children s Risk for Mental Health Problems: A Review of Four Measures Assesment for Effective intervention, vol 35, no 4-218-230.

Milsom, Amy, Glanville, Jonifer (2010), Factors Mediating the Relationship Between Social Skills and Academic Grades in a Sample of Students Diagnosed with Learning Disabilities or emotional disturbance. Remedial and Special eduction. Vol. 31. No 4, 241-251.

Yenwu, C, Yuley, Feng, H, Loy (2010), Social Skills Training For Taiwanese students at Risk for Emotional and Behavioral Disorders, *Journal of Emotioal and Behavioral Disorders*, vol 18, no 3, 162-177